

تحلیل شیوه‌های مهرورزی در تربیت دینی کودک از منظر روایات

علی آقا صفری *

عامل حسن مظاهری **

چکیده

زمینه و هدف: تربیت دینی کودکان از جمله مسایل مهم و اساسی یک جامعه دینی است و از سویی دیگر نیروی محبت در تربیت دینی کودک نیرویی انگیزاننده و تحول آفرین بوده و او را به سمت رشد و کمال هدایت می‌کند. از اینرو محبت جایگاه خاصی را در تربیت به خود اختصاص داده است که جهت تاثیرگذار بودن آن لازم است این امر قلبی ابراز شود و لذا هدف محوری این پژوهش بررسی و تبیین شیوه‌های مهرورزی و ابراز محبت در تربیت دینی کودک از منظر آموزه‌های اسلام است. **روش تحقیق:** برای انجام این تحقیق با رجوع به آیات و روایات از روش توصیفی و تحلیلی استفاده شده است. **یافته‌ها و نتایج:** ره‌آوردهای پژوهش نشان می‌دهد که روایات شیوه‌های مختلفی را جهت مهرورزی مطرح می‌کنند که می‌توان آن را در دو گونه شیوه‌های گفتاری و رفتاری دسته بندی کرد. در بخش شیوه‌های گفتاری، روایات مهمترین شیوه‌های مهرورزی را خطاب با نام نیکو، سلام کردن و استفاده از جملات محبت آمیز مطرح کرده و در بخش رفتاری نیز به معانقه، بوسیدن، حفظ عزت و احترام کودک، همبازی شدن با کودک، هدیه دادن، مدارا کردن و نوازش و دست کشیدن بر سر کودکان، اشاره شده است که مربی با بهره‌گیری از این شیوه‌های می‌تواند ضمن ابراز محبت به مربی کودک، به تربیت دینی وی پرداخته او را در این دنیا پر آشوب از چنگال اهریمن‌ها نجات داده فضائل اخلاقی و باورهای دینی را در آنان تقویت نمود.

واژگان کلیدی: مهرورزی، محبت، تربیت، تربیت دینی کودک، قرآن و عترت.

* دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، جامعه المصطفی العالمیه (نویسنده مسئول)، a.a.safari1364@gmail.com

** دانش پژوه دکتری قرآن و علوم گرایش تربیتی، جامعه المصطفی العالمیه، muzaheri2007@gmail.com

بیان مسئله

تعلیم و تربیت انسان در سنین خردسالی و کودکی آثار و فواید بسیار و ماندگارتری در مقایسه با سنین بالاتر دارد؛ چنان‌که در روایات مختلف به این نکته اشاره شده است. از جمله امام علی^{علیه السلام} با اشاره به علم آموزی در دوران کودکی می‌فرماید: «الْعِلْمُ فِي الصِّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (کراچکی، ۱۴۱۰: ۳۱۹/۱) آموختن دانش در کودکی مانند حکاکی و نقش بستن بر سنگ است که تا مدت‌ها ماندگار بوده و به راحتی از بین نمی‌رود. همچنین حضرت در نامه خود به امام حسن^{علیه السلام} تربیت فرزندان خود را اینگونه به تصویر کشیده و می‌فرماید: «وَأَمَّا قَلْبُ الْوَالِدِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَسْؤَ قَلْبُكَ وَ يَسْتَعْلِ لُبُّكَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۷۰) دل نوجوان مانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، آن را می‌پذیرد. از این رو، من پیش از آن که دلت سخت گردد و خردت مشغول شود، به تادیب و تربیت تو شتافتم. با توجه به این نکته تربیت کودکان به صورت عام و تربیت دینی آنان به صورت خاص از جمله مواردی است که از دیر باز مورد توجه بوده و در روایات اسلامی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در عصر حاضر با توجه به گسترش تکنولوژی‌ها و زمینه‌های انحراف و افزایش تهاجم فرهنگی از سوی ایادی شیطان، اهمیت تربیت دینی دو چندان می‌شود. یکی از مهمترین روش‌های مطرح در تربیت کودکان به صورت خاص که موافق سرشت و فطرت آن بوده و در تربیت اسلامی نیز مورد توجه ویژه قرار گرفته است، تربیت بر اساس محبت است. تربیت بر اساس محبت را می‌توان از دو جنبه مورد توجه قرار داد؛ الف: محبت و مهرورزی مربی نسبت به متری که مربی باید نسبت به متری محبت و مهرورزی داشته باشد تا بتواند در انجام وظایف خود موفق بوده و تاثیر گذاری لازم را داشته باشد. ب: ایجاد محبت در متری نسبت به اموری در رشد و تکامل متری موثر است. در آموزه‌های اسلامی نسبت به هر دو بعد اشاره شده است. در بعد اول خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} که بزرگترین مربی بشریت و نمونه کامل یک مربی الهی است می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران/۱۵۹) در این آیه شریفه به معنای واقعی کلمه به نقش محبت در تربیت و جذب دیگران اشاره شده است که اگر نبود این محبت و رحمت و خلق نیکوی پیامبر^{صلی الله علیه و آله} نسبت به دیگران، به طور حتم مردم از دور او پراکنده می‌شدند. در بُعد و جهت دوم نیز در آموزه‌های وحیانی نسبت به دوست داشتن اهل بیت^{علیهم السلام} و نیز دوستداران آنان و همچنین محبت نسبت به دیگر الگوهای تاثیر گذار در تربیت دینی و رشد و تکامل افراد، پرداخته شده است به طوری که اجر رسالت بزرگ مربی الهی پیامبر



اکرم صلی الله علیه و آله و مودت نسبت به خاندان آن حضرت صلی الله علیه و آله قرار داده شده و خداوند متعال می فرماید: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری/۲۳) و از سوی دیگر قرآن کریم به این نکته تصریح می کند که محب بودن متری می تواند زمینه تبعیت از مربی را ایجاد کند و می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (آل عمران/۳۱) بگو: اگر همواره خدا را دوست می دارید، پس از من پیروی کنید. طبق این آیه شریفه اگر مربی بتواند محبت خداوند را در دل متری ایجاد کند، این امر پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به دنبال خواهد داشت.

در نوشتار حاضر نوع و جهت اول مورد نظر است. مربی باید نسبت به متری خود محبت داشته باشد تا بتواند علاوه بر تاثیر گذاری در تعالی و تکامل وی، تمام تلاش خود را در این راه بکار گیرد. بی تردید محبت و مهرورزی از سویی موجب جایگاه بخشی و تکریم کودک و در نتیجه شخصیت دادن به وی می شود و از سویی دیگر زمینه اطاعت از مربی را فراهم کرده و موجب جذب متری به مربی می شود که آیه ۱۵۹ سوره آل عمران این امر را به خوبی ترسیم کرده است. سرشت و فطرت آدمی بر این است که کسی را که به او نیکی و محبت می کند دوست داشته باشد امام صادق علیه السلام می فرماید: «طُبِعَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حَبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا وَ بَغْضِ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۴/۱۶) دل ها بر محبت کسی که به آنها خوبی کند و بر نفرت از کسی که به آنها بدی روا دارد، سرشته شده است. بدین جهت است که امام باقر علیه السلام می فرماید: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» (برقی، ۱۳۷۱: ۲۶۳/۱). اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام در روایات متعددی آدمی را توصیه به محبت و دوست داشتن فرزندان و کودکان کرده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الرَّجُلَ لِسِدَّةِ حَبِّهِ لَوْلَدِهِ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۰/۲۱) همانا خداوند به آدمی، برای محبت شدید او به فرزندش، رحم می کند.

آنچه که علاوه بر داشتن محبت نسبت به کودکان، ضروری و حیاتی است، ابراز محبت و مهرورزی است چرا که تا ابراز محبت نشود نمی توان محبت را که یک امر قلبی است، تشخیص داد و لذا مربی باید با شیوه های مختلف محبت خود را نسبت به متری ابراز کند تا علاقه و محبت بین مربی و متری ایجاد شود و تاثیرگذاری لازم را داشته باشد. از اینروست که امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ بِذَلِكَ؛ فَإِنَّهُ أَتَبْتُ لِلْمَوَدَّةِ بَيْنَكُمَا» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶۹۸/۴) هرگاه کسی را دوست داشتی، از آن [محبّت] باخبرش ساز، که این کار، دوستی میان شما را پایدارتر می کند. بر اساس تحقیقات صورت گرفته، بسیاری از ناراحتی های روانی و نیز ناراحتی بسیاری از کودکان حتی باهوشترین آنان، به چگونگی تغذیه عاطفی مربوط می شود

(امینی، ۱۳۹۴: ۵۶) پس اگر بخواهیم کودکان سالمی داشته باشیم باید آنان را تغذیه عاطفی کرده و محبت خود را به آنان ابراز کنیم. مقاله حاضر در صدد است با مراجعه به روایات و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، مهمترین شیوه‌ها و ابزارهای مهرورزی را تبیین کند تا مربی بتواند با بهره‌گیری از آن به نحو احسن وظیفه خود را به سرانجام رسانده اهداف تربیتی خود را محقق سازد. ضرورت این بحث با توجه به نهاد خانواده به عنوان اولین مدرسه تربیتی کودکان و نیز والدین به عنوان اولین مربیان کودک و همچنین تاثیر فراوان چگونگی برخورد با نیاز عاطفی کودکان در آینده آنان، کاملاً واضح و روشن است.

پیشینه

بررسی سیرتطور و پیشینه عام تربیت از ظرفیت محدود نوشتار پیش رو خارج است؛ زیرا تربیت همزاد با انسان بوده و از زمانی که انسان توان نوشتن و خواندن را آموخته است به مسئله تربیت توجه نموده و به تألیف پرداخته است؛ بنابراین مقدر نیست تمام تألیفات را گزارش نمود؛ اما از باب نمونه به برخی از مهم‌ترین‌ها متابعی که به صورت کلی یا جزئی به مباحث تربیت کودک از منظر اسلام پرداختند به صورت فهرست‌وار اشاره می‌گردد: تعلیم و تربیت در اسلام، مرتضی مطهری، کودک از نظر وارث و تربیت، هئیت نشر معارف اسلامی؛ تربیت دینی کودک، حائری شیرازی، تربیت، ابراهیم امینی؛ سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام، عیالرضا اعرافی، محمد داوودی؛ تربیت فرزند از نظر اسلام، حسین مظاهری، تربیت دینی فرزندان، جواد محدثی؛ دست بچتو بگیر؛ راهکارهای عملی تربیت دینی کودکان، محمد بیرانوند؛ نقش مادران در تربیت دینی فرزندان، محمد احسانی؛ حقیق تربیتی کودک در اسلام، محمد علی حاجی آبادی؛ تربیت از دیدگاه معصومین علیه السلام و قرآن کریم، سید ابوالقاسم مهری نژاد، پریسا اصغری نژاد بلوچی؛ روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، محمد رضا قائمی مقدم؛ تربیت فرزند با رویکرد فقه تربیتی، علیرضا اعرافی؛ تربیت نامه (فرهنگ الفبایی و موضوعی تربیت فرزند)، حسن صدری مازندرانی؛ قرآن و تربیت اجتماعی کودک، مهدیه رضایی.

اما درباره پیشینه خاص مسئله، تک نگاره‌های همچون: نقش مهرورزی در تربیت از منظر قرآن و سنت اثر محمود کاظمی و علی اکبر صیدی؛ تاثیر تشویق و محبت بر تعلیم و تربیت، فاطمه صادقیان بیدک، مرجان عظیم زاده، ملیحه چرخاب؛ نقش محبت و مهرورزی در فرآیند تعلیم و تربیت، سودابه براتی؛ نقش محبت و مهرورزی در فرآیند تعلیم و تربیت، کبری خواجه پور فیروزآبادی، سیداحمد هاشمی، رقیه رفعتی، جمشید امیدی؛ نقش محبت در تعلیم و تربیت از نظر اسلام، ژیللا مرادی؛ جایگاه محبت در تعلیم و تربیت اسلامی، صادق ملکی آوارسین، مریم





اصغری اصل؛ بررسی و نقش جایگاه محبت و مهرورزی و تاثیر آن بر تعلیم و تربیت، غلامعلی احمدی، حسین لطفی، زهرا اکبرزاده؛ نقش مهرورزی در تعلیم و تربیت دینی و تامین سلامت و امنیت روانی با تاکید بر آموزه ها و سبک زندگی اسلامی، پروانه قنبرلو، علی قنبرلو و نقش مهرورزی در تربیت از منظر قرآن و سنت با تاکید بر خانواده اثر محمود کاظمی و حسن دادخواه به رشته تحریر در آمده است.

اما با وجود پیشینه عام و خاص هنوز خلأ و کاستی این نوع از پژوهش ها خالی است چرا که اکثر نگاشت های ذکر شده به اصل مسئله محبت و مهرورزی و نقش آن در تربیت پرداخته اند و آن طور که باید به صورت مجزا به شیوه های مهرورزی از منظر روایات پرداخته نشده است. چون همه روزه در حال در تمام عرصه ها و به خصوص عرصه تربیت کودک مشاهده می شود و این نیازمند بازخوانی و باز تفسیری گزاره های دینی متناسب با اقتضائات محیطی است البته این به معنای تحمیل نیست بلکه به معنای این است که گزاره های وحیانی اسلام جهانی و جاویدانه هستند و در هر عصر و مصری کاربرد دارند پس برای فهم و درک و عملیاتی سازی آن ها باید اقتضائات هر عصری لحاظ شود؛ تا امکان اجرای آن ها فراهم گردد و این مقاله با در نظر گرفتن اقتضائات محیطی یکی از مهم ترین مسائل مرتبط تربیتی که همان نقش محبت باشد را با مراجعه به گزاره های وحیانی اسلام مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از لحاظ علمی، روش توصیفی، تحلیلی را و از لحاظ ابزاری و گردآوری محتوا و مطالب روش کتابخانه ای را برگزیده است که بر اساس آن با مراجعه به منابع موجود متنی و نرم افزاری، فیش برداری لازم صورت گرفته و مطابق سرفصل ها سازمان دهی شده و مورد تحلیل و پالایش قرار گرفته است.

مفهوم شناسی

بی تردید فهم و تحلیل صحیح یک موضوع علمی در گرو فهم صحیح واژگان و مفاهیم بکار رفته پیرامون آن است؛ زیرا شناسایی متغیرها و مفاهیم کلیدی در هر پژوهشی، جهت رفع ابهام و پایایی تحقیق تأثیر بسزایی دارد. (عباسی مقدم، ۱۳۷۹: ۳۱) از این رو، پیش از ورود به مباحث اصلی مقاله، ضروری است مفاهیم اصلی مورد تبیین قرار بگیرد.

الف: تربیت

در زبان فارسی واژه تربیت به معنای پروردن (دهخدا، ۱۳۷۲: ۵۵۰/۱۵)، ادب و اخلاق را به کسی آموختن (معین، ۱۳۸۱: ۴۴۳/۱) پرورش دادن (عمید، ۱۳۶۹: ۴۲۵) آمده است. در زبان عربی واژه «تربیت» مصدر باب تفعیل است و لغت شناسان، ریشه‌ی آن را به معنای زیادت (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۴/۸) و از (رب) می‌دانند که یک «باء» آن تبدیل به «و» شده و معنایی تدریجی بودن در دل تربیت نهفته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶: ش: ۳۴۰). جوهر و گوهر معنایی تربیت زیاد و متورم شدن شیء در خودش جهت کسب فضل و زیاده است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ش: ۴/۳۵).

درباره‌ی تعریف اصطلاحی تربیت سخن بسیار است از جمله گفته‌اند تربیت از نظر ارسطو به معنای مجموعه‌ای از اعمال است که به‌وسیله‌ی خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می‌گیرد. از نظر فارابی تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به‌وسیله‌ی فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه‌ی فاضله به‌منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دینا و کمال نهایی در آخرت (گروه نویسندگان، ۱۳۸۴: ۱/۱۶۷-۱۷۳). شهید مطهری^(ه) می‌گوید: «تربیت عبارت است پرورش دادن یعنی استعداد دورنی را که بالقوه در یک شیئی موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن» (مطهری، ۱۳۷۴: ۵۶). از این رو وی کاربرد واژه تربیت درباره غیر جانداران را مجازی دانسته معتقد است تربیت باید تابع پیرو فطرت و طبیعت و سرشت شیئی باشد (همان). برخی از اندیشمندان می‌گویند: «تربیت فرایند یاری رسانی به مرتبی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری است که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهایش صورت می‌گیرد» (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱/۱۴۱).

بنابراین، تربیت در انسان به معنای پرورش دادن استعدادهای او است و این استعدادها در انسان عبارت‌اند از: استعداد عقلی (علمی و حقیقت‌جویی)، استعداد اخلاقی (وجدان اخلاقی)، بعد دینی (حس تقدیس و پرستش)، بعد هنری و ذوقی یا بعد زیبایی و استعداد خلاقیت، ابتکار و ابداع (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۰-۲۲ و ۵۷-۶۹)، بدیهی است که این صاحب‌نظران با توجه به دیدگاه خاص خود به تعریف موضوع پرداخته‌اند و تعلیم و تربیت، به هر نحوی که تعریف شود و هدف آن هر چه باشد، مستلزم ایجاد ویژگی‌ها و خصوصیات است که در مرتبی به‌عنوان یک انسان باید صورت می‌گیرد، بنابراین موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است؛ و لازمه‌ی تربیت، شناخت



روح و روان و قوا و استعدادهای همه‌جانبه و داشتن برنامه برای فراهم‌سازی زمینه‌ها و مؤلفه‌های رشد متوازن است.

ب) تربیت دینی

گاهی از تربیت دینی، تربیت دینی به معنای اعم که شامل همه ابعاد تربیتی در یک بستر دینی است، اراده می‌شود که می‌توان آن را مترادف «تربیت اسلامی» دانست و بر این اساس تربیت دینی منحصر در مسائل اعتقادی، اخلاقی و معنوی نمی‌شود (زارعان، ۱۳۷۹: ۳۳) بلکه همه ابعاد را بر اساس گزاره‌های دینی در بر می‌گیرد. و گاهی از آن معنای خاصی اراده می‌شود و به معنای جنبه خاصی از تربیت است که فرد را به وظایف دینی و آداب شرعی آشنا می‌سازد و او را به خودشناسی و خداشناسی می‌رساند (احمدی، ۱۳۷۵: ۵۷)؛ از نظر بهشتی و نیکویی تربیت دینی عبارت است از: مجموعه تدابیر و روش‌هایی که برای ایجاد، ایقا و اکمال عقاید، اخلاق و اعمال دینی اتخاذ و اجرا می‌گردد (بهشتی، نیکویی، ۱۳۹۰: ۱۹۸)؛ در شناخت بیشتر تربیت دینی می‌توان بر این نکته تأکید کرد که علم پژوهان این عرصه شاخه‌ها و زیر مجموعه‌های بی‌شماری از تربیت دینی را به ما معرفی کرده‌اند، بدین معنا که تربیت دینی دایره وسیعی از انواع تربیت‌ها را در بر می‌گیرد. برای مثال تربیت اسلامی بر آن نوع تربیت دینی تأکید دارد که قید اسلامیت را به همراه داشته باشد. همچنین تربیت اسلامی می‌تواند زمینه‌ساز انواع مختلفی از تربیت شود مانند تربیت زمینه‌ساز با محوریت اخلاق (توسلی، ۱۳۹۲: ۲۶) با توجه به تعاریف یادشده می‌توان گفت تربیت دینی بخشی از تربیت است که منجر به رشد فرد در زمینه اخلاقی و ارزشی و شکوفایی توانایی او در جهت مطلوب می‌شود.

ج) محبت

واژه محبت از ریشه «حُبَّ» به معنای کشش شدید، دوست داشتن و مودت است (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳۱/۳). برخی از لغویون با استناد به آیه شریفه ۱۶۵ سوره بقره که می‌فرماید: «يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ» تصریح کرده‌اند که واژه مورد بحث به معنای دوست داشتن است (قرشی، ۱۳۷۱: ۹۳/۲). حُبَّ به معنای محبت و حِبَّ (با کسره) به معنای حبيب و محبوب به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۸۹/۱).

علما و اندیشمندان با گرایش‌ها و تخصصی‌های گوناگونی که داشته‌اند تعاریف اصطلاحی مختلفی از محبت ارائه نموده‌اند که ظرفیت محدود نوشتار اجازه ارائه و بررسی همه آنها را نمی‌دهد؛ لذا تا از مهم‌ترین تعریف‌های که با نگاه تربیتی از این واژه شده است اکتفا می‌گردد: محبت عبارت است از ابتهاج نفس به شیئی که موافق طبیعت انسان باشد، اعم از اینکه

آن شیء امر حسی باشد یا عقلی، حقیقی باشد یا ظنی (کوثری، ۱۳۸۶: ۳) محبت یک نوع جاذبه میل و کششی است که در یک موجود صاحب شعور نسبت به چیزی یا کسی پدید آید (شعبانی چافجیری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳۱).

علامه مصباح یزدی محبت را در اصطلاح به معنای حالتی می داند که در دل یک موجود صاحب شعور نسبت به چیزی که با تمایلات و خواسته‌های او تناسب داشته باشد، ایجاد می شود و در حقیقت محبت را به جاذبه ادراکی معنا می کنند (مصباح یزدی، ۱۳۸۶: ۱/ ۳۵۸).

علامه طباطبایی در تبیین مفهوم محبت این‌گونه توضیح می‌دهد: «محبت از تعلق و ارتباط وجودی بین محب و محبوب ناشی می‌شود؛ و یا به عبارتی، انجذاب بین علت مکمل و یا شبیه به آن، و بین معلول مستکمل و یا شبیه به آن؛ لذا ما افعال خود را دوست می‌داریم تا به وسیله آن به کمال برسیم و آنچه را هم که متعلق به افعال ماست دوست می‌داریم، تا آن را وسیله و ابزار برطرف کردن نیازهایمان قرار دهیم» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۴۱۲).

از مجموع تعاریف بیان شده، به دست می‌آید که محبت، یک علاقه و کشش درونی (قلبی) در بین موجودات صاحب شعور از جمله مربی و متربی است.

د: کودک

واژه کودک در فارسی به معنای فرزندی است که به حد بلوغ نرسیده است (معین، ۱۳۸۱: ۱۴۱۱) و از ریشه پهلوی کوتک به معنای کوتاه می باشد و به سادگی، پاکی و بزرگ نشدن اشاره دارد (صفری و زهروی، ۱۳۹۱: ۱۷۷). در لغت عرب نیز این واژه را می توان معادل کلماتی مانند طفل، صبی و مراهق دانست که هر کدام از این واژگان ادوار و سنین خاصی را شامل می شود. اما در تعریف اصطلاحی مفهوم کودک در علوم مختلف اختلاف نظر وجود دارد و هر دانشمندی با توجه به تخصص خویش به تعریف کودک و دوران کودکی پرداخته است و عمدتاً نگاه بیولوژیکی داشته و کودک را از منظر سن و خصوصیات بیولوژیکی تعریف کرده‌اند اما در نگاه اسلامی معنای کودکی منحصر در دیدگاه بیولوژیکی نبوده بلکه ویژگی‌های اجتماعی نیز در تعیین دوره کودکی مطرح است (ربانی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۴۷). دانشمندان علم حقوق اسلامی نیز ذیل کلمه صغیر آن را به دختر و پسری که به سن بلوغ شرعی نرسیده است، معنا کرده‌اند (لنگرودی، ۱۳۸۱: ۳/ ۲۳۵۲). فقهاء نیز به همین معنا اشاره داشته و صغیر را کسی می دانند که به سن بلوغ نرسیده باشد (خمینی، ۱۴۰۸: ۱/ ۱۲۴) و در واقع از بدو تولد تا بلوغ را دوره کودکی انسان دانسته‌اند (زحیلی، ۱۴۱۸: ۶/ ۴۴۶۷). اندیشمندان روانشناسی نیز مراحل مختلف و متعددی و تقسیم بندی‌های گوناگونی را برای مراحل کودکی ارائه داده‌اند (رک: شعاری نژاد، ۱۳۸۵) اما



به صورت کلی سه مرحله را برای رفتن از کودکی به نوجوانی مطرح کرده‌اند: کودکی نخست از تولد تا حدود دو سالگی، کودکی میانه از دو تا ۶ یا سالگی و کودکی پایانی از هفت تا دوازده سالگی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۳۴).

اندیشمندان اسلامی ادوار مربوط به کودک را به سه دوره از ولادت تا هفت سالگی، از هفت سالگی تا بلوغ، از سن بلوغ به بعد، تقسیم کرده‌اند البته باید توجه داشت هفت ساله سوم در واقع جزو نوجوانی و جوانی حساب می‌شود و نه کودکی. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۷۶)؛ فرزند تا هفت سال ارباب است و هفت سال بنده است و هفت سال وزیر است. بر اساس همین روایت اندیشمندان اسلامی هفت سال اول را، هفت سال سیادت کودک، هفت سال دوم را هفت سال تعلیم پذیری، اطاعت و فرمان برداری و هفت سال سوم را هفت سال دوران مشورت نامگذاری می‌کنند.

شایان ذکر است بر اساس روایات معصومین علیهم السلام آغاز تربیت کودک به پیش از تولد و دوران جنینی آن بر می‌گردد؛ لکن این مراحل در این پژوهش مراد نبوده و بلکه مراد از کودکی در مقاله حاضر، دوران قبل از بلوغ است که باید در این مرحله حساس والدین نهایت سعی و تلاش خود را داشته باشند تا بستر رشد و شکوفایی کودک را در مراحل بعدی فراهم سازند.

تحلیل شیوه های مهرورزی

محبت از جمله نیازهای حیاتی و آرامش بخشی است که کودک به آن نیاز دارد و این مهم باید در نهاد خانواده و از جانب پدر و مادر تأمین گردد. بدیهی است کودکانی که از این مهم محروم هستند نمی‌توانند به خوبی با دیگران ارتباط برقرار کنند و به جای ارتباط سازنده و پویا در محیط اجتماعی منزوی و منفعل و بعضاً عقدی بزرگ می‌شوند و در بلند مدت آثار و پیامدهای بی محبتی و کم محبتی در خلاقیت و نوآوری و هم چنین ارتکاب جرائم و ... به خوبی خودش را نشان می‌دهد.

تجربیات بشر نشان داده است که کودکانی که با مهر و محبت والدین پرورش یافته و تربیت شده‌اند در مقایسه با دیگرانی که از این نعمت محروم بوده‌اند موفق‌تر و خوش‌بخت‌تر بوده و عنصر مفیدتر برای خود و جامعه بوده‌اند و امروزه مشخص شده است کودکانی که از سوی والدین طرد شده‌اند، با مشکلاتی همچون استرس و اضطراب، یأس و ناامیدی و... مواجه

شده‌اند؛ لذاست که روانشناسان معتقدند نیاز به محبت در سراسر زندگی فرد، خصوصاً در سالهای اولیه زندگی، نقش مؤثر دارد (شعاری نژاد، ۱۳۸۵: ۲/۱۲۴).

نقش محبت در رشد و تعالی و مصونیت کودک از بسیاری اعمال شنیع موجب توجه و تأکید مکتب اسلام به این روش تربیتی شده و در سیره علمی و عملی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام خودش را نشان داده است تا آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر سفارش دیگران به مهرورزی و محبت نسبت به فرزندان و کودکان، خود نیز به فرزندان خویش، حضرت فاطمه سلام الله علیها و ابراهیم، و دیگر کودکان حتی کودکان غیر مسلمان محبت می کردند.

گزاره‌های وحیانی اسلام محبت به فرزند را بهترین عمل نزد خداوند متعال می‌داند و در روایتی از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که حضرت موسی بن عمران از خداوند متعال درباره برترین عمل سوال کرد و خداوند در پاسخ فرمود دوست داشتن کودکان؛ « قَالَ مُوسَىٰ بِنُ عِمْرَانَ (ع) يَا رَبِّ أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ فَقَالَ حُبُّ الْأَطْفَالِ فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَىٰ تَوْحِيدِي فَإِن أُمَّتَهُمْ أَدْخَلْتَهُمْ بِرَحْمَتِي جَنَّتِي » پروردگارا! کدام عمل نزد تو برتر است؟ فرمود: دوست داشتن کودکان، همانا آنان را بر توحید و یگانگی‌ام آفریدم و اگر هم آنان را بمیرانم با رحمتم آنان را داخل بهشت می گردانم (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۱/۱۰۵). علاوه بر این طبق بیان نورانی امام صادق علیه‌السلام محبت به فرزند موجب ترحم خداوند می گردد «إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ؛ لَشِدَّةِ حَبِّهِ لَوْلَدِهِ» همانا خداوند به دلیل شدت محبت بنده نسبت به فرزندش، بر او رحم می کند (کلینی، ۱۴۲۹: ۶/۵۰).

این همه سفارش و اجر و پاداش قرار دادن نسبت به محبت کودک حکایت از نقش مؤثر و مفید آن در تربیت کودک در تمام عرصه‌های زندگی از جمله تربیت عبادی دارد و نوشتار پیش رو تصمیم دارد شیوه‌های ابراز محبت و مهرورزی را با استناد به آموزه‌های اسلامی مورد و بحث بررسی قرار دهد. شیوه‌های ابراز محبت و مهرورزی را می توان به دو بخش گفتاری و رفتاری تقسیم نمود که در ادامه به نمونه‌هایی از هر کدام اشاره می شود.

الف: شیوه‌های گفتاری

امروزه یکی از مهمترین عوامل انگیزشی تحصیلی و تربیتی را رفتار صمیمیت کلامی مربی و معلم می دانند که در واقع مربی با این رفتار صمیمانه ضمن ابراز محبت و مهرورزی، متربی را تشویق و به او انگیزه تعلیم و تربیت و همراهی با مربی می دهد. روانشناسان جهت تشویق و انگیزه دهی هر چه بهتر به متربی، روش نزدیک شدن کلامی را در کلاس درس مطرح می کنند که این امر موجب افزایش یادگیری شناختی، عاطفی و رفتاری می شود (سیف و همکاران،



۱۳۹۷: ۴۹). لذا مربی می تواند بواسطه استفاده از گفتار و کلام محبت خود را نسبت به مربی ابراز کرده نسبت به تحقق اهداف تربیتی اقدام کند. در ذیل به مهمترین شیوه های کلامی مهرورزی از منظر روایات اشاره می شود.

۱- خطاب با نام نیکو

خلقت انسان با کرامت و برتری و گرامیداشت از سوی خالق یکتای بی همتا همراه بوده است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء/۷۰) و نوع انسانی دوست دارد که همیشه با او کریمانه برخورد شود و یکی از موارد که این کرامت و قدرشناسی وجود دارد و انسان علاقه مند به آن است در هنگام تعامل و گفتگو و خطاب کردن است. همه انسان ها که از خلقت و فطرتشان فاصله نگرفته اند دوست دارند که با آنان به نیکوی رفتار شود و آنان را با نام زیبا و احترام آمیز صدا کنند و امروزه این مسئله به شکل برجسته در جوامع مختلف قابل مشاهده است و دلیل اش انتخاب اسامی پر محتوی و احترام آمیز از سوی والدین می باشد.

قرآن کریم با عنایت به نقش اسم در تکریم بخشی و یا تحقیر افراد خطاب به مسلمانان می فرماید: «وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ» (حجرات/۱۱). معصومین علیهم السلام همیشه کودکان را با احترام و نام نیک صدا می کردند و به دیگران نیز سفارش می کردند که برای فرزندانشان نام نیک انتخاب کنند و آنان را در کمال ادب و احترام صدا کنند. اهمیت و ضرورت مسئله آنقدر زیاد بود که حضرت علی علیه السلام در بیان نورانی خویش نخستین حق فرزند به عهده پدر را انتخاب نام نیکو می دانستند چنان که می فرماید: «أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يَسْمِيَهُ بِاسْمٍ حَسَنٍ فَلْيَحْسِنِ أَحَدَكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۸ / ۶)؛ اولین نیکی که پدر در حق فرزند خود انجام می دهد، نام نیکوست. پس باید همه ی شما نام نیک بر فرزند خود بگذارید و این مسئله تا آنجا مورد توجه پیامبر رحمت و مغفرت صلی الله علیه و آله بود که نام های زشتی را که بر مردان یا شهر بود عوض می کرد «أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ص كَانَ يَغَيِّرُ الْأَسْمَاءَ الْقَبِيحَةَ فِي الرِّجَالِ وَ الْبُلْدَانَ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۹۰ / ۲۱) با توجه به این همه تأکید و توصیه، به نظر می رسد که نام نیک اثر وضعی دارد و مؤید این ادعا را می توان از بیان نورانی امام رضا علیه السلام فهمید که می فرماید: «الْبَيْتُ الَّذِي فِيهِ اسْمٌ مُحَمَّدٍ يُصْبِحُ أَهْلُهُ بِخَيْرٍ وَ يَمْسُونَ بِخَيْرٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳۱ / ۲۱)؛ خانه ای که در آن نام محمد باشد، صبح و شام اهل آن خانه با خیر و برکت خواهد بود.

بااین وجود سزاوار و شایسته است که پدر و مادر در مسئله انتخاب نام نیک نهایت دقت را داشته باشند و این را بدانند که این کار پسندیده و مورد تأیید و تأکید معصومین علیهم السلام موجب می شود فرزندان نسبت به آموزه های دینی باورمند و علاقه مند شوند چون یکی از اثرات وضعی نام نیک

گرایش فرزند به سمت باورهای دینی خواهد بود. در نتیجه صدا کردن کودک با اسامی و القاب نیکو، علاوه بر تشدید روابط مهر آمیز میان مربی و متربی، شخصیت کودکان را به رشد و کمال یافتن تشویق و تحریک می کند. لذا مربی باید هنگام نام بردن از متربیان اسامی را به صورت کامل و صحیح بخواند تا بتواند اهداف مورد نظر را محقق کند و تربیت دینی کودک به سرانجام نزدیک شود. این مورد گاهی مورد غفلت مربیان قرار گرفته و هنگام اسم بردن اسامی را ناقص و یا حتی تحریف شده تلفظ کرده و گاهی نیز القاب مختلفی را به آن اضافه می کنند که این امر موجب دلزدگی و گریز متربی از فراگیری می شود.

۲- سلام کردن به کودک

روش دیگری که در سیره عملی و تأکیدات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در مسئله تربیت دینی کودک مشاهده می شود سلام کردن به آنان است. اهمیت سلام به قدری است که خداوند متعال در قرآن کریم جواب سلام را واجب دانسته و امر نموده است و هرگاه شما را به درودی ستایش گفتند، پس شما به بهتر از آن تحیت گوید یا (لا اقل) همانند آن را (در پاسخ) باز گوید «وَ إِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوها» (نساء/۸۶). سلام کردن اختصاصی به بزرگان ندارد؛ بلکه در سیره معصومین علیهم السلام و به ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از جایگاه ویژه- ای برخوردار است و یکی از سنت های حسنه ای به حساب می آید که آن حضرت صلی الله علیه و آله بر جای گذاشته است و بر اساس روایتی از آن حضرت صلی الله علیه و آله، سلام گفتن به کودکان، یکی از پنج موردی است که حضرت صلی الله علیه و آله فرمود تا هنگام مرگ آن را ترک نخواهند کرد تا سنتی باشد برای افراد بعد از حضرت: «خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبُ الْحِمَارِ مُؤَكَّفًا وَ حَلْبَى الْعَنْزِ بَيْدَى وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۷۲).

بر این اساس مسئله سلام کردن به کودکان موجب احترام و تکریم آنان بوده و حاکی از مهر و محبت و یادآور خیر و فضیلت محسوب خواهد شد و این در بلند مدت اثرات خویش را در رفتار و عملکرد کودکان خواهد گذاشت و آنان را به سمت و سوی باورها و فضائل اخلاقی سوق می دهد. از اینروست که کودکان والهانه پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت طهارت علیهم السلام را دوست داشتند. مربی نیز باید سعی کند با تاسی از برترین مربیان بشریت، در تعامل با متربیان کودک خود در سلام کردن پیش قدم باشند و بدین گونه محبت خود را ابراز کنند. امری که شاید امروزه در تعلیم و تربیت مغفول واقع شده و مربی و معلم انتظار دارد اول مربی و شاگرد به او سلام کند و پیش قدم شدن در این امر کسر شأن جایگاه معلمی و مربی می داند.



۳- استفاده از کلمات و جملات محبت آمیز

حرف زدن و سخن گفتن با کودکان مهمترین راه ارتباط تعامل با آنان و نیز به سرانجام رساندن تعلیم و تربیت است. این که در سخن گفتن از چه جملات و کلماتی استفاده شود تاثیرات عمیقی بر رشد و پرورش شخصیت کودکان و نیز تعامل با آنان دارد. از اینرو است که استفاده از کلمات منفی موجب تنفر و دوری کودک از مربی شده و بالعکس استفاده از واژگان مثبت و محبت آمیز باعث تکریم بخشی به کودک و در نتیجه جذب وی می شود. مربی می تواند متناسب با فرهنگ و زبان از کلمات محبت آمیزی مثل فرزندم، دلبندم، جانم و... بهره گیرد کما اینکه در زبان عربی نیز کلماتی مثل بنی، قره عینی، ثمره فؤادی و... وجود دارد. سیره عملی اهل بیت علیهم السلام نیز مؤید این مطلب است و در روایت مختلفی می توان دید که هنگام خطاب به فرزندان خود از جملات و کلمات محبت آمیز استفاده می کردند. از جمله نقل شده است که امام حسین علیه السلام امام سجاد علیه السلام را در سنین کودکی می بوسید و به سینه خود چسبانده و می فرمود: «بِأَبِي أَنْتَ مَا أَطِيبَ رِيحِكَ وَأَطْهَرَ خُلُقِكَ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۴۰/۲۸). این جریان درباره امام موسی کاظم علیه السلام نسبت به امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰/۴۹) حضرت زهرا سلام الله علیها در حدیث کساء و در جواب حسنین علیهما السلام از تعبیرات «قره عینی» و «ثمره فؤادی» استفاده می کنند. لذا والدین در نقش مربی لازم است این مورد را دقت داشته باشند و در تعامل خود از جملات محبت آمیز استفاده کنند از سوی دیگر بر اساس روایات مربی و معلم نیز برای متریبان حکم پدر را دارد و باید این امور را هر مربی رعایت کند.

ب: شیوه های رفتاری

۱- معانقه (در آغوش گرفتن)

یکی از راه های مهرورزی نسبت به کودک، در آغوش گرفتن اوست. پدر و مادر به عنوان اولین مربیان کودک که پایه های اولیه تربیت را بنا می نهند، با در آغوش گرفتن کودک خویش این عشق و علاقه را به آنان منتقل می کنند و به آنان می فهمانند که برایشان مهم است. برخی روانشناسان معتقدند اجتناب از بوسیدن و بغل کردن در سنین بچگی و کودکی ریشه بسیاری از مشکلات در بزرگسالی است (فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲۵/۳۳). این نوع رفتار در سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که طبق فرموده قرآن کریم مسلمانان موظف به الگو گیری از ایشان هستند «لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱)؛ مشاهده می شود که وی از این



روش بهره می گرفته است چنان که امیرالمؤمنین علی علیه السلام خود حکایت می کند «وَ أَنَا وَ لَدُّ وُلْدِي» [يُضْمِنِي إِلَى صَدْرِهِ وَ يَكْنُفُنِي فِي فِرَاشِهِ وَ يُمْسِنِي جَسَدَهُ وَ يَشْمِنِي عَرَفَهُ...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲)؛ در حالی که کودک بودم، مرا در آغوش می گرفت و به سینه خود می فشرد، و در بستر مخصوص خود می خواباند، بدن خود را به بدن من می چسباند و بوی پاکیزه خود را به من می بویاند. این جملات ضمن آنکه علاقه شدید پیامبر صلی الله علیه و آله را نسبت به امام علی علیه السلام نشان می دهد به این مطلب مهم هم رهنمون است که در آغوش کشیدن کودک توسط متربی در تربیت وی نقش دارد و باید مورد توجه واقع شود.

۲- تقبیل (بوسیدن)

راهی دیگری که می توان به وسیله آن محبت خود را به کودکان نشان داد بوسیدن آنان است. البته قبل از بیان روایات مربوطه در این مقوله باید نکاتی را رعایت نمود. نکته اول اینکه بوسیدن از لب، جز برای زوجین و بچه غیر ممیز جایز نیست «لَيْسَ الْقُبْلَةُ عَلَى الْفَمِ إِلَّا لِلزَّوْجَةِ، أَوْ الْوَالِدِ الصَّغِيرِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۳/ ۴۷۵) و اینکه محارم، مگر زن و شوهر، باید فقط از پیشانی هم بیوسند، نامحرم حق ندارد با کودک ممیز دست داده او را بیوسد، مردان مؤمن نیز بر محل سجده برادرانشان بوسه زنند چون در روایت آمده است: «إِنَّ لَكُمْ لَنُورًا تَعْرِفُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا حَتَّىٰ إِذَا حَدَّكُمْ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ قَبْلَهُ فِي مَوْضِعِ النُّورِ مِنْ جِهَتِهِ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲/ ۲۳۵). اما درباره بوسیدن کودک، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام از این شیوه زیاد استفاده نموده و به پیروان خویش نیز سفارش کرده اند. اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام جهت نشان دادن اهمیت و نهادینه سازی این شیوه تربیتی عملاً در میان صحابه و پیروانشان به این شیوه عمل می کردند و به آنان نیز توصیه می نمودند، تا کودکان خود را بیوسند و از این طریق محبت خویش را به آنان ابراز نمایند.

بوسیدن کودکان در روایات به عنوان یک عمل ارزشمند محسوب شده و اجر و پاداش فراوانی در قبال آن وعده داده شده است به عنوان نمونه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: هر کس فرزند خود را بیوسد خداوند در برابر هر بوسه اجر و مزدی در بهشت خواهد داد «مَنْ قَبَلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/ ۴۷۵) و نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: «أَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةِ أَوْلَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ...» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/ ۴۸۵)؛ فرزندان خود را زیاد بیوسید، چرا که برای شما در برابر هر بوسه، درجه ای در بهشت فراهم خواهد شد. و امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: بوسیدن فرزند نشانه مهربانی و رحمت است «قُبْلَةُ الْوَالِدِ رَحْمَةٌ» (بروجردی، ۱۳۸۶: ۲۶/ ۸۶۴).



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ضمن تأکید به بوسیدن کودکان خود نیز در مقام عمل ملتزم بوده‌اند. نقل شده است روزی نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرزندان خرد سال خود امام حسن و امام حسین علیهما السلام را می بوسد شخصی به نام «اقرع بن حابس» وقتی این صحنه را دید گفت «من ده فرزند دارم که تا کنون، هیچ یک از آنها را نبوسیدم» رسول خدا صلی الله علیه و آله به او نگاه کرد و فرمود کسی که رحم نکند، به او رحم نمی شود «قَبِلَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ع وَ عِنْدَهُ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ التَّمِيمِيُّ جَالِسٌ فَقَالَ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ إِنَّ لِي عَشْرَةً مِنَ الْوَلَدِ مَا قَبَلْتُ مِنْهُمْ أَحَدًا فَنَظَرَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص ثُمَّ قَالَ مَنْ لَّا يَرْحَمُ لَّا يَرْحَمُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۲۹۵). همچنین حکایت شده است شخصی محضر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد من هرگز کودکی را نبوسیده‌ام. این شخص هنگامی که از نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت حضرت صلی الله علیه و آله فرمود این مرد نر من، اهل دوزخ است. «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ مَا قَبَلْتُ صَبِيًّا قَطُّ فَلَمَّا وَلَّى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵۰/۶). با توجه به این نکات بوسیدن یکی از راه‌ها و شیوه‌های ابراز محبت است که مربی و والدین می توانند با بهره گیری از آن مرتبی و فرزندان را جذب کند.

۳- عزت و احترام به فرزند

یکی دیگر از روش‌های مهرورزی و محبت به کودکان مسئله عزت و احترام آنان است. خداوند متعال انسان را به گونه‌ای آفریده است که فطرتاً برای خود شخصیت و احترام قائل است و دوست دارد که دیگران به او احترام بگذارند. از این رو سزاوار است که والدین و مربیان به این گرایش فطری انسان توجه نموده عزت نفس و اعتماد به نفس را در کودکان تربیت و تحکیم کنند. بعضاً مشاهده می‌شود که در مهمانی‌ها و دور همی‌ها کمتر به خواسته‌ها و نیازهای کودکان توجه می‌شود و با پرخاشگری و یا داد و فریاد خواسته‌های کودک را نادیده می‌گیرند و نیازهای وی را در جمع سرکوب می‌کنند و یا او را تحقیر و تمسخر و عیبها و لغزش‌هایش را به رخ می‌کشند. بدیهی است که این نوع رفتار با کودکان در بلند مدت آثار و پیامدهای مخرب فراوانی دارد که از جمله آن بی‌اعتقادی و کم‌اعتقادی به باورهای مذهبی است چون کودک با نگاه به رفتار والدین خود بسیاری از مسائل اعتقادی و اخلاقی را می‌آموزد و اگر قرار باشد که والدین حکومت قهری و استبدادی همراه با تنبیه و توبیخ داشته باشند دیگر انتظار باورمندی و علاقه‌مندی آنان به امورات دینی را نباید داشته باشند بلکه در صورتی چنین توقعی معقول و مطلوب است که کانون گرم خانواده با حاکمیت عشق و محبت و معرفت اداره شود و روشن است که هرچقدر این محبت

برجسته‌تر و عمیق‌تر باشد فاصله کودکان با والدین کمتر و تأثیرپذیری و گرایش آنان به سمت و سوی مسائل شرعی و اخلاقی بیشتر خواهد شد.

اینکه مشاهده می‌شود معصومین علیهم السلام با گفتار و کردارشان سعی در تکریم بخشی کودکان داشته و این مسئله را مورد تأکید قرار می‌دهند به خاطر این است که از این طریق بستر خودیابی و خودباوری در آنان تقویت شود و از سوی دیگر این امر در واقع نشأت گرفته از محبت و علاقه-ای است که والدین و مربیان به کودک و متربی دارد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَ أَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرَ لَكُمْ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱ / ۲۷۶)؛ فرزندان خود را گرامی بدارید، و آدابشان را نیکو گردانید که مورد غفران و آمرزش قرار خواهید گرفت.

مهم‌ترین آثار تربیتی تکریم و احترام به فرموده امیر المؤمنین امام علی علیه السلام این است که «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنُهَا بِالْمَعْصِيَةِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۳۳۱)؛ کسی که از احترام نفس برخوردار باشد شخصیت خود را با گناه بی ارزش نمی‌کند همانطور که قدرشناسی و احترام آثار و برکات فراوانی به همراه دارد، تحقیر شخصیت یا بی‌احترامی به کودک آثار منفی و ضد تربیتی زیادی را به همراه خواهد داشت و دیگر کودک برای خود ارزشی قائل نخواهد شد که در این صورت نه تنها تربیت صحیح نخواهد شد بلکه نتیجه معکوس خواهد بود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَرَجُ خَيْرَهُ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۶۳)؛ کسی که خویشتن و شخصیتش بر وی خوار شد امید نیکی از او نداشته باش.

براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که یکی از شیوه‌های رفتاری ابراز محبت و مهرورزی، تکریم و حفظ جایگاه کودکان است و والدین و مربیان وظیفه دارند که با فرزندان خویش محترمانه و کریمانه رفتار نمایند تا عزت و احترامشان که یکی از مهم‌ترین نیازهای روحی آنان است برآورده شود و اگر این مهم به خوبی تأمین نشود در بزرگ سالی تبعات و پیامدهای خویش را در رفتار و کردار افراد نشان خواهد داد.

۴- هم‌بازی شدن با کودک

بازی نقش کلیدی در رشد جسمانی، اجتماعی، عاطفی، اخلاقی و عقلانی کودکان داشته و از آن به عنوان سالم‌ترین و بهترین تفریح کودکان یاد شده و در مسائل تربیتی، نسبت به رعایت و اهتمام به آن فراوان تأکید شده است که والدین باید توجه نمایند و بستر بازی کردن کودکان را فراهم نمایند چون مهارت‌ها و تجارب و حس کنج کاوی‌های طبیعی آنان از این طریق رشد و برانگیخته می‌شوند و از این مسیر نحوه‌ی زندگی در جامعه را می‌آموزند. پس شایسته است که



بزرگسالان با شرکت در بازی کودکان، ضمن نظارت و آموزش بازی‌های جدید مسائل ارزشی و اخلاقی را به آنان بیاموزند.

هم بازی شدن با کودک و شرکت همراه با آنان به عنوان یکی از شیوه‌ها و ابزارهای مهرورزی به حساب می‌آید. در قرآن کریم به عنوان سند راهبرد جهان اسلام و تنها کتاب هدایت‌گر و تربیت‌کننده انسان آمده است که زمانی که فرزندان حضرت یعقوب علیه السلام می‌خواستند پدر را متقاعد کننده حضرت یوسف علیه السلام را به آنان به چراگاه بفرستد گفتند «أَرْسَلُهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ...» (یوسف/۱۲)؛ فردا او را به همراه ما بفرست، تا (در صحرا خوب بخورد و) بگردد و بازی کند. مستفاد از آیه شریفه این است که باز برای کودک امر مهم و حیاتی است همانطور که بعد از این توجیه حضرت یعقوب علیه السلام رضایت دادند که یوسف علیه السلام را با خود ببرند.

همانطور که کلام وحی به مسئله اهمیت بازی اشاره نموده است، معصومان علیهم السلام نیز خود در بازی کودکان شرکت و به دیگران توصیه می‌نمودند. از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است: «دَخَلْتُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَى ظَهْرِهِ وَهُوَ يَجْتُو بِهِمَا وَيَقُولُ نِعْمَ الْجَمَلُ جَمَلَكُمَا وَنِعْمَ الْعِدْلَانِ اُنْتُمَا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۲۸۵) بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شدم در حالی که حسن و حسین علیهم السلام، بر پشت آن حضرت صلی الله علیه و آله سوار بوده و حضرت صلی الله علیه و آله دو زانو زده بود و می‌فرمود چه شتر خوبی است شتر شما چه شترسواران خوبی هستید شما. همچنین در روایت دیگر آمده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۷: ۲۱/۴۸۶)؛ کسی که نزد او کودکی است، باید برای او کودکی کند. مشابه همین روایت با اندک تغییر در عبارات از امیر بیان علی علیه السلام نقل شده است که حضرت علیه السلام فرموده: «مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبًا» (کلینی، ۱۴۲۹: ۶/۵۰).

اما اینکه والدین همزمان که باکودکانشان دارند بازی می‌کنند باید به مسائل شرعی و فضائل اخلاقی نیز اشاره نمایند در واقع در کنار بازی فضائل و رذائل اخلاقی نیز به فرزندان باید آموخته شود هم چنان که سیره تربیتی حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در هنگام بازی با فرزندان اینگونه بوده است: «وَكَانَتْ فَاطِمَةُ (س) تُرَقِّصُ ابْنَهَا حَسَنًا وَتَقُولُ أَشْبِهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ وَ أَخْلَعُ عَنِ الْحَقِّ الرَّسْنَ وَ أَعْبُدُ إِلَهًا ذَا مَنِّينَ وَ لَا تُؤَالِ ذَا الْأِحْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۳/۲۸۶)؛ حضرت فاطمه سلام الله علیها فرزندش حسن علیه السلام را بالا و پایین می‌انداخت و می‌گفت ای حسن! مانند پدرت باش، حق را صریح بیان کن و خدای منان را عبادت نما و با انسان کینه‌توز دوستی مکن.

از این روایت، استفاده می‌شود، که زهرای مرضیه سلام الله علیها در ضمن بازی با فرزندش، مفاهیم تربیتی و اخلاقی را نیز به او آموزش می‌داده است و این بزرگترین درس برای مادران است که باید بیاموزند و در هنگام بازی با فرزندان خویش به آن ملتزم و پایبند باشند.

۵- هدیه دادن به کودک

از دیگر شیوه‌های ابراز محبت و مهرورزی والدین و مربیان نسبت به کودکان، هدیه دادن است. هدیه دادن و اینکه چه چیزی‌های هدیه محسوب می‌شود و یا اینکه از چه کسانی با چه اهدافی می‌توان هدیه قبول کرد در روایات به تفصیل توضیح داده شده است که می‌توان در منابع مربوطه پی‌گیری نمود. آنچه که در اینجا مطرح می‌شود تأثیر هدیه دادن در ایجاد محبت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «تَهَادَوْا تَحَابُّوا تَهَادَوْا فَإِنَّهَا تَذَهَبُ بِالضَّعَائِنِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۵/۱۴۴)؛ به یکدیگر هدیه دهید، تا نسبت به همدیگر با محبت شوید، به یکدیگر هدیه دهید؛ زیرا هدیه کینه‌ها را می‌برد. همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا سَافَرَ أَحَدُكُمْ فَقَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ فَلِيَّاتِ أَهْلِهِ بِمَا تَيْسَّرَ وَ لَوْ بِحَجَرٍ» (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱/۴۵۹)؛ هر گاه یکی از شما به مسافرت رفت هنگام بازگشت از سفر بر او لازم است به مقدار توان برای اهل خود هدیه بیاورد و لو تکه سنگی باشد. نکته دیگر اینکه در روایات نه تنها تأکید به هدیه آوردن شده بلکه برای عامل آن نیز اجر و پاداش در نظر گرفته شده است چنان که به نقل از ابن عباس آمده است، که گفت: «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلِ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَحَاوِجٍ وَ لِيَبْدَأَ بِالْإِنَائِثِ قَبْلَ الذُّكُورِ فَإِنَّ مَنْ فَرَحَ ابْنَةٌ فَكَأَنَّمَا أَعْتَقَ رَقَبَةً مِنْ وَدِدِ إِسْمَاعِيلِ مُؤْمِنَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ...» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۵۷۷)؛ کسی که وارد بازار شود، هدیه‌ای بخرد و به سوی خانواده‌اش ببرد، مانند کسی که صدقه را به سوی افراد نیازمند برده است. در دادن هدیه باید از خانم‌ها، آغاز نماید زیرا کسی که دختری را خوشحال کند، مانند کسی است که بنده‌ای را از فرزندان اسماعیل در راه خدا آزاد کرده است.

از مجموع روایات یاد شده می‌توان فهمید که هدیه دادن باعث می‌شود که پیوندها محکم‌تر و روابط نزدیک شود و بدیهی است که با التزام عملی به این شیوه مهم تربیتی والدین و مربیان می‌توانند محبت خود را برای فرزندان و کودکان ثابت نمایند.

۶- مدارا با کودک

یکی از شیوه‌های ابراز محبت به کودکان مدارا کردن با آنان است. بدین معنا که مربی سعی کند در طول فرایند تربیت خود با تمام کاستی‌ها و مشکلات و سختی‌های که از جانب کودک ممکن است ایجاد شود مدارا کند و سختگیری بیش از حد نکند و به این ترتیب در انجام کارهای



نیک و نیز به سرانجام رسیدن تربیت دینی کودک به وی کمک کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جواب این سوال که چگونه می توان فرزند و کودک را بر کار خیری یاری کرد فرمود: «يَقْبَلُ مِسْرَةً، وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورَةٍ، وَ لَا يَرْهَقُهُ، وَ لَا يَخْرَقُ بِهِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۱/۴۵۰). مقدار کم او را که در توانش است بپذیرد و از آنچه که در توان او نیست از درگذرد و او را به سختی ننداخته و مجبور نسازد. بی تردید یاری کردن بر کار نیک از روی محبت و علاقه‌ای است که مربی و والدین به کودک و فرزند دارد و می خواهد او را به حد کمال و تعالی برساند و اگر مربی می خواهد این محبت را ابراز کند باید با متری مدارا کند و بر او سخت نگیرد در غیر این صورت کودک از تربیت دینی و مربی دور خواهد شد و نتیجه معکوس خواهد داشت.

۷- نوازش و دست بر سر کشیدن

یکی از حواس پنجگانه حس لامسه است که از طریق آن می توان احساسات مثبت و منفی خود را به دیگران منتقل کرد. به همین جهت است که نوازش و دست بر سر کشیدن بر سر کودکان یکی از راه‌ها و شیوه‌های ابراز محبت است. برخی از روانشناسان نقش لمس را در رشد اجتماعی و عاطفی اساسی و بنیادین می دانند که نباید نادیده گرفته شود (فیروزآبادی و دیگران، ۱۳۹۷: ۳۳/۱۲۵). در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که آن حضرت صلی الله علیه و آله هر روز صبح دست نوازش بر سر فرزندان و نوه‌های خود می کشیدند «إِذَا أَصْبَحَ مَسَحَ عَلَى رُءُوسِ وُلْدِهِ وَ وُلْدِ وُلْدِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱/۹۹). این سیره پیامبر صلی الله علیه و آله نشان دهنده بهره‌گیری از نوازش کودکان جهت مهرورزی است. از اینروست که در آموزه‌های اسلامی بر نوازش و دست بر سر کشیدن کودکان یتیم به صورت ویژه تأکید شده است تا حدی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ مَسَحَ رَأْسَ يَتِيمٍ كَانَتْ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ مَرَّتْ عَلَيْهَا يَدُهُ حَسَنَاتٌ» (نوری، ۱۴۰۸: ۱۵/۱۲۲) چرا که کودک یتیم از سویی در مصیبت و فقدان پدر و مادر و حامی خود گرفتار است و از سوی دیگر در مصیبت فقد محبت. لذا با دست بر سر کشیدن کودک یتیم و نوازش او به نیاز محبتی او پاسخ داده شده و در واقع ابراز محبت صورت می گیرد. البته باید توجه داشت که نوازش و تفقد باید همراه با احساس باشد و الا اگر ابراز تفقد و محبت خالی از احساس باشد اثر معکوس می گذارد (لوبستر، ۱۳۵۱: ۳۰/۴۲) چرا که کودکان واقعی بودن یا تصنعی بودن محبت را به خوبی درک می کنند و لذا مربی باید از صمیم قلب به ابراز محبت پردازد و نه صرفاً تصنعی که در این صورت کودک از مربی متنفر شده و از او دوری خواهد کرد و در نتیجه اهداف تربیتی محقق نخواهد شد.

ج: بایسته های مهرورزی

بی تردید انجام هر عملی باید در چارچوب و اصول خود انجام پذیرد در غیر این صورت یا مثرم ثمر نخواهد بود یا نتیجه معکوس و خلاف هدف مورد نظر را به همراه دارد. مربی در مهرورزی نیز باید یک سری اموری را مورد توجه قرار دهد تا نتیجه مطلوب را به همراه داشته باشد.

۱- عدالت در مهرورزی

عدالت از اموری است که همواره و در هر عصر و دوره ای مورد خواست همگان بوده است البته در اینکه معنای عدالت چیست نظرات مختلف است و عده ای آن را به معنای مساوات و تساوی گرفته اند بدین معنا که همه از یک جور وسایل و نعمات و... بهره مند شوند که به طور حتم این معنا در عدالت اجتماعی مورد نظر نیست چرا که اولاً شدنی نیست ثانیاً ظلم و تجاوز است و ثالثاً اجتماع خراب کن است (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۸۸/۱) لذا اندیشمندان اسلامی در تعریف عدالت گفته‌اند: «وضع کل شیء فی موضعه و اعطاء کل ذی حق حقه» (سبزواری، ۱۳۹۳: ۵۴) هر چیزی را در جای خود قرار دادن و دادن هر حقی به حقدار. یکی از مهم‌ترین مواردی که مربی باید در مهرورزی نسبت به متری رعایت کند عدالت است. عدل و عدالت هر چیزی را در جای خود قرار می دهد (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). اما اینکه منظور از عدالت در بین فرزندان آیا تساوی است یا همان عدالت مصطلح، باید دقت داشت که هر دو معنا مورد نظر است بدین معنا که از سویی وقتی گفته می شود در مهرورزی باید عدالت داشت یعنی به مقتضای سن و جنسیت کودکان توجه شود و به تناسب هر کدام یکی از شیوه‌ها انتخاب شود به طور مثال اگر قرار است هدیه‌ای خریداری شود به طور حتم نمی توان بدون در نظر داشتن جنسیت و سن کودک هدیه مناسب را تهیه کرد بلکه هنگام خرید هدیه باید یک سری موارد را رعایت کرده و به تناسب آن هدیه مورد نظر خریداری شود. از سویی دیگر والدین و مربیان باید به تساوی رفتار کنند بدین معنا که اگر به یکی از فرزندان و کودکان هدیه می دهد به دیگری نیز هدیه بدهد تا از ایجاد حسد و کینه بین کودکان و نیز احساس بی عدالتی از مربی، جلوگیری کند مگر اینکه مربی بنا بر دلایلی تشخیص دهد یکی از متریان را به صورت ویژه مورد محبت قرار دهد و دلیل آن را به دیگر متریان نیز بازگو کند تا آنان نیز در آن مورد خاص سعی لازم را داشته باشند. در آموزه های اسلامی نیز نسبت به رعایت عدالت میان کودکان تصریح شده است و پیامبر اکرم می فرماید: «اعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي السِّرِّ كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۲۲۰) بین فرزندان خود حتی در پنهان به عدالت رفتار کنید همانگونه دوست دارید در نیکی و لطف میان شما به عدالت رفتار کنند. از سوی دیگر در روایات از تعبیر تساوی نیز استفاده



شده است و پیامبر اکرم در واکنش به کسی که یکی از فرزندان را بوسید و دیگری را نبوسید فرمود: «فَهَلَّا وَاسَيْتَ بَيْنَهُمَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۴۸۳/۳) چرا بین آن دو تساوی را رعایت نمی کنی. پس با توجه به روایات باید دقت داشت که در عین حالی که لازم است بین کودکان به تساوی رفتار کرد باید این رفتار عادلانه و بجا و متناسب با کودکان باشد و مربی و والدین باید طوری رفتار کنند که کودکان احساس تبعیض نکنند و در جایی هم که به ظاهر تبعیض دیده می شود والدین می توانند علل آن را به کودکان توضیح دهند تا مشخص شود این امر در حقیقت تبعیض نبوده بلکه مقتضای سن یا جنسیت و... بوده است (امینی، ۱۳۹۴: ۲۱۸). در نتیجه آنچه که در عدالت و تساوی بین فرزندان مهم است و مربی و والدین باید به آن توجه داشته باشند، عدم برانگیختن حس حسادت و احساس تبعیض میان کودکان است.

۲- عدم افراط در مهرورزی

یکی از مواردی که باید در مهرورزی مربی و والدین به کودکان مورد توجه قرار گیرد عدم زیاده روی در محبت و مهرورزی است. آموزه های دین مبین اسلام از زیاده روی و افراط در هر چیزی نهی می کند و مسلمانان را امت معتدل و اهل اعتدال می داند و لذاست که خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» (بقره/۱۴۳) و بدین گونه شما را گروهی میانه قرار دادیم. امام علی علیه السلام نیز ضمن منحرف دانستن افراط و تفریط می فرماید: «الْيَمِينُ وَالشِّمَالُ مَضَلَّةٌ، وَالطَّرِيقُ الْوَسْطِيُّ هِيَ الْجَادَّةُ، عَلَيْهَا بَاقِي الْكِتَابِ وَ آثَارُ النَّبُوَّةِ» (کلینی، ۱۴۲۹: ۱۷۲/۱۵). چپ و راست گمراهی، و راه میانه، جاده مستقیم الهی است که قرآن و آثار نبوت، آن را سفارش می کند. بنابر این مربی باید توجه داشته باشد که ضمن مهرورزی به متربی، در این امر دچار افراط نشود در غیر اینصورت به اهداف تربیتی خود دست پیدا نخواهد کرد بلکه چه بسا خلاف اهداف محقق شود. از این رو امام باقر علیه السلام می فرماید: «شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبُرِّ إِلَى الْإِفْرَاطِ» (یعقوبی، بی تا: ۳۲۰/۲) بدترین پدر، کسی است که نیکی کردن، او را به زیاده روی وا دارد. نباید با افراط در مهرورزی کاری کرد که کودک لوس و لجباز به بار آید. برخی از والدین و مربیان به خیال اینکه مهرورزی یعنی قبول تمام خواسته های متربی و کودک، هر چیزی را که کودک بخواهد فراهم می کنند این در حالی است که با این کار او را در آینده دچار مشکل خواهند کرد و به قول روسو این امر موجب بدبخت شدن کودک خواهد شد (روسو، ۱۳۶۶: ۱۰۱). لذا مربی و والدین باید سعی کنند ضمن حفظ اصل عدالت در مهرورزی، به اندازه ای که لازم است مهرورزی داشته باشند و با رعایت این نکته از افراط و زیاده روی در مهر و محبت خودداری کرده اهداف تربیتی خود را محقق کنند.

نتیجه

بر پایه داده‌های جمع‌آوری و تبیین شده از آموزه‌های اسلام، مشخص شد که محبت نقش حیاتی در تربیت دینی کودک داشته و بستر رشد و تعالی او را هموار می‌سازد و در نتیجه مربی باید با شیوه‌های گوناگون رفتاری و گفتاری این محبت را نسبت به مربی ابراز کند تا به نتایج مطلوب دست یابد. در روایات اسلامی راه‌ها و شیوه‌های مختلفی جهت مهرورزی به کودکان بیان شده است که بر اساس آن مربی می‌تواند در شیوه‌های گفتاری از خطاب با نام نیکو، سلام کردن و استفاده از جملات محبت آمیز بهره گیرد و نیز در شیوه‌های رفتاری می‌تواند از معانقه، بوسیدن، حفظ احترام، هم بازی شدن، هدیه دادن، مدارا کردن، و نوازش و دست کشیدن بر سر کودک استفاده کند تا بدین وسیله علاقه و محبت خود را به مربی کودکان ابراز کند و آنان را متقاعد و باورمند می‌سازند که دوستشان دارند و سعادت و خوشبختی‌شان برایشان مهم و ارزشمند است وقتی که کودکان به این درجه از اعتقاد و باور برسند احساس آرامش و خوش بختی می‌کنند و سعی می‌کنند که مسیر مربی و والدین خویش را در تمام عرصه‌ها و به خصوص پیروی از باورهای دینی دنبال کنند.

فهرست منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأملی (للصدوق)، تهران، کتابچی، چاپ ششم، ۱۳۷۶ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ش.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ اول، ۱۴۱۴ق.
۵. احمدی، احمد، مفهوم تربیت دینی و راه های وصول به آن، مجله تربیت، سال دوازدهم، شماره دوم، ۱۳۷۵ش.
۶. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی (۱)، تحقیق و نگارش: سید تقی موسوی، قم: موسسه فرهنگی اشراق و عرفان، ۱۳۹۱ش.
۷. امینی، ابراهیم، تربیت، قم، بوستان کتاب، چاپ دوازدهم، ۱۳۹۴ش.
۸. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، قم، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱ق.
۹. بروجردی، آقا حسین، جامع احادیث الشیعۀ، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۸۶.
۱۰. بهشتی، سعید و نیکویی، روشنک، کاوش هایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام، تهران، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، ۱۳۹۰ش.
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، قم، دفتر تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۶۶ش.
۱۲. توسلی، طیبه، تربیت دینی، تربیت زمینه ساز، تربیت سکولار، فصلنامه علمی پژوهشی مشرق موعود، ۲۶، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم انسانی، ۱۳۲.
۱۳. خمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، موسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۰۸ق.
۱۴. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، دمشق: الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲.

۱۶. ربانی، محسن، خان محمدی کریم، افروغ عماد، مفهوم فرهنگی اجتماعی کودکی از دیدگاه قرآن، فصلنامه اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره پیاپی ۳۰، ۱۳۹۹.
۱۷. روسو، ژان ژاک، امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه منوچهر کیا، تهران، انتشارات گنجینه، چاپ پنجم، ۱۳۶۶.
۱۸. زارعان، محمد جواد، تربیت دینی، تربیت لیبرال، مجله معرفت، ش ۳۳، ۱۳۷۹.
۱۹. زحیلی، وهبه، الفقه الاسلامیة و ادلته، دمشق، دارالفکر، چاپ چهارم، ۱۴۱۸ق.
۲۰. سبزواری، ملا هادی، شرح الاسماء الحسنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۹۳.
۲۱. سیف، علی اکبر، درخشان، نوشین، کیامنش، علی رضا، احدی، حسن، بررسی اثربخشی رفتارصمیمیت و نزدیک شدن کلامی و غیرکلامی مدرسان بر انگیزش حالتی تحصیلی فراگیران، مجله پژوهش در نظام های آموزشی، ویژه نامه بهار، ۱۳۹۷.
۲۲. شعاری نژاد، علی اکبر، روانشناسی رشد، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۵.
۲۳. شعبانی چافجیری، هادی و سیده اکرم رخشنده نیا و سید اسماعیل حسینی اجداد، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت با تکیه بر سه عنصر علم، محبت و آزادی از منظر دین، فصلنامه مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۱.
۲۴. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹.
۲۵. صادقی فیروزآبادی، وحید، صفری، علیرضا، بنی اسدی شهر بابک، حسن، ایمانی سعید، دلاوری، مهدیه، اثر بخشی لمس بر کاهش افسردگی کودکان، مجله روش ها و مدل های روانشناختی، شماره ۳۳، ۱۳۹۷.
۲۶. صفری، محسن، زهروی رضا، بررسی تطبیقی نفی ضابطه کودک انگاری سن مدار محض، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۵۹، ۱۳۹۱.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم، جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، الشریف الرضی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰ش.
۲۹. عباسی مقدم، مصطفی، اسوه های قرآنی و شیوه های تربیتی و تبلیغی آنان، مجله تربیت تبلیغی، ۱۳۹۳.
۳۰. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹.



۳۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
۳۲. قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ ششم، ۱۳۷۱.
۳۳. کراجکی، کنز الفوائد، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۰.
۳۴. کوثری، ید الله، حب و بغض در تحلیلی روان شناختی با نگاهی به آیات و روایات، مجله علمی - ترویجی معرفت، سال شانزدهم شماره ۱۱۲، ۱۳۸۶.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۳۶. گروه نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۳۷. لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۳۸. لوبستر، نورمن، نوازش، ترجمه سید خلیل خلیلیان، مجله مکتب مام، ۳۰، ۱۳۵۱.
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی قدس سره، ۱۳۸۶.
۴۱. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
۴۲. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا، چاپ چهل و یکم، ۱۳۹۴.
۴۳. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و شش، ۱۳۷۴.
۴۴. موسوی، سیده الناز و طاهره الهی و عباس مسجدی آرانی و لیلا سالک ابراهیمی و مینا جلیل پور و زهرا شهسواری، تطبیق مراحل رشد انسان در روان شناسی و نهج البلاغه، مجله پژوهش در دین و سلامت، دوره ۴، شماره ۵، ۱۳۹۷.
۴۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات ادنا، چاپ چهارم ۱۳۸۱.
۴۶. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، موسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۴۷. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر، چاپ اول، بی تا.